

نقد کتاب

«سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران»

ناصر قاسمی*

چکیده

اصولاً هر رشته مطالعاتی به گونه ای انتخاب شده و برگزیده می‌شود که از یک سو بیانگر محتوای آن رشته باشد و از سوی دیگر، بتواند حدود و قلمرو آن را تبیین نماید مانند جامعه‌شناسی، کیفرشناسی، جرم‌شناسی و غیره. حال آنکه سیاست جنایی رشته‌ای است که هم از گسترده فراتر از عنوان خود برخوردار است و شامل موضوعات متعدد و گوناگون می‌باشد و هم آنکه از نگاه عرصه‌های متنوع علمی و نیز نظام‌های مختلف حقوقی بویژه دینی و اسلامی، قابلیت طرح ارزیابی دارد. درباره مفهوم سیاست جنایی از گذشته تاکنون، نقطه نظرات اندیشمندان بسیاری در جوامع غربی و شرقی و نیز در ایران قبل و پس از انقلاب اسلامی بیان شده است که در مواردی از آنها، نیازمند تأمل و دقت است. پرداختن به نگاه غیردینی و دینی به سیاست جنایی و ترسیم جایگاه آن در این دو قلمر، موضوعی است که در کتاب مورد ارزیابی، بدان توجه شده است و نگارنده تلاش نموده اند تا جایگاه را تبیین نمایند و از نقش آن در مباحث دینی و به تبع آن، در نظام حقوقی کنونی جمهوری اسلامی ایران سخن بگویند.

کلیدواژه‌ها: سیاست، جنایت، نگاه دینی و غیر دینی، جرم و مجازات.

۱. مقدمه

سیاست جنایی که محور بنیادین بررسی‌های کتاب مورد نظر می‌باشد، از دو واژه سیاست و جنایی ترکیب شده است. سیاست عبارت است از درک، تدبیر و اداره مسائل و امور جامعه (لازرژ، ۱۳۸۲: ۳۹). صرفنظر از معانی یاد شده، می‌توان به مفهوم فغوی تنبیه کردن و کیفر دادن نیز اشاره

* عضو هیات علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری. dr.ghasemi76@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۲

نمود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۲۲۰) اما تردیدی نیست که غرض از اصطلاح سیاست جنایی و کاربرد کلمه سیاست در آن، صرف اداره کردن و یا مجرد تنبیه و کیفر نیست و می‌توان گفت که معنای متعدد سیاست قابلیت انطباق با آنرا دارد. واژه جنایی که از جنایت گرفته شده است نیز نمی‌تواند در معنای مضیق آن بکار رود. زیرا، چنین کاربردی سبب ایجاد محدودیت در قلمرو این رشته و موضوعات آن خواهد شد. جنایت به معنای گناه و جرم است و در حقوق جزای اسلامی شامل هر فعل یا ترک فعلی است که بر آن قصاص یا عقوبت مترتب گردد. (همان: ۱۵۷۱) به تعبیر دیگر، هر نوع صدمه و هدم که به جسم و جان آدمی وارد شود را جنایت گویند. (همان: ۱۵۷۰)

بنابراین، اگر گفته شود که مراد از کاربرد کلمه جنایی همانا جرم و گناه (به تعبیر دینی آن) و ورود صدمه به جسم و جان اشخاص است، بایستی موارد زیادی از مباحث را از دایره این رشته خارج نموده و مطالعه آنها را متوقف نمود. از این رو، ناگزیر باید به معنای فراتر از آن توجه کرد و اولاً گستره‌ای به مراتب وسیع‌تر از جرایم جنایی را مدنظر قرار داد تا بتوان به تحلیل جرایم گوناگون مبادرت کرد و ثانیاً محدوده آنرا به ورطه غیر کیفری و غیر مجرمانه سوق داد تا بر آن مبنا امکان بررسی رفتارهای نابهنجار و کژمداری‌ها و انحرافات نیز با واکنش‌های مختلف دولتی (رسمی)^۱ و جامعه‌ای (غیر رسمی)^۲ (لازرژ، ۱۳۸۲: ۳۹) در کنار رفتارهای مجرمانه، پدید آید. بنابراین آنچه گفته شد، ارکان سیاست جنایی عبارتند از: ۱- جرم، ۲- انحراف، ۳- دولت و ۴- جامعه مدنی. (لازرژ، ۱۳۸۲: ۳۷)

جرم (Crime, Offence)، پدیده‌ای است که دارای واقعیات انسانی و اجتماعی است. بدین معنا که، تنها در رابطه با افعال مثبت و منفی که از سوی آدمی سر می‌زند قابل تحقق است و قابل انتساب به سایر موجودات نیست و فقط اوست که می‌تواند مسئول قلمداد گردد. بعلاوه، وقوع جرم در بستر اجتماعی و زندگی انسان‌ها در این محیط رخ می‌دهد و امکان پیشگیری و واکنش در برابر آن را دارد.

اجتماعات بشری، همواره برای صیانت از ارزش‌های اساسی مشترک و نیز دینی و اخلاقی، حفظ و استقرار نظم، امنیت و آسایش و استمرار زیست آدمیان، قواعد و مقرراتی را در قالب قوانین وضع کرده‌اند. در این میان، پاره‌ای از اعضای جوامع هستند که به مقابله و ستیز با این قوانین پرداخته‌اند و بر خلاف اکثریت جامعه، منافع خویش را در نقض این قوانین و مقررات پی جویی می‌کنند.

جرم واژه‌ای است که در رشته‌های مختلف علمی مرتبط اعم از حقوق کیفری، جامعه‌شناسی کیفری، روانشناسی و روان پزشکی کیفری، جرم‌شناسی و غیره از دریچه‌های تخصصی ویژه مورد تعریف قرار گرفته است. مقنن نیز در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آنرا تعریف کرده است. در این ماده آمده است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود».

در تکمله این مطلب، تنها به ارائه یک تعریف از جرم از منظر حقوق کیفری بسنده می‌گردد. بر این اساس، جرم عبارت است از: کنش نقیض نظم اجتماعی.^۳ انحراف (Deviation) که از آن به کژروی، کجروی، ناهم‌نوازی و غیره تعبیر می‌شود، کلمه‌ای است که دارای معنای گوناگون و با ویژگی‌های مشترک در دانش‌ها و رشته‌های مختلف نظیر روانشناسی، جامعه‌شناسی، حقوق و اخلاق می‌باشد و نیز دارای ابعاد متنوعی اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. همچنین از نگاه دینی و مذهبی، مفهوم مختص به خود را دارا است.

از منظر جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان، انحراف رفتاری است که مخرب زندگی است و مرتکب آن مورد سرزنش قرار خواهد گرفت و یا مورد لطمه و جریمه واقع خواهد شد. (امین صارمی ۱۳۸۰: ۵۵)

بلکه می‌گوید انحراف چگونگی عملی که شخص مرتکب می‌شود نیست، بلکه نتیجه عملی است که دیگران بر حسب ضمانت اجرایی قوانینی به یکی متخلف نسبت می‌دهند. (همان)

همچنین، در رهگذر انحراف و انحرافات اجتماعی گفته شده است که، انحراف دوری جستن و فرار از هنجارهاست و وقتی رخ می‌دهد که فرد یا گروه ضوابط اجتماعی را مراعات نمی‌کند. (همان، ۵۴)

کوئن در این باره می‌گوید: «انحراف، هرگونه رفتاری است که با انتظارات جامعه منطبق و سازگار نیست». (همان)

انحراف از منظر دینی (اسلام) عبارت است از: سرپیچی کردن از معیارهای اعتقادی و تعالیم مذهبی. به عبارت دیگر، سرکشی و طغیان در برابر اوامر و نواهی پروردگار است. (همان، ۶۷)

منحرف (Deviant) یا کجرو کسی است که رفتار نابهنجار او زودگذر نیست و دارای دوام زمانی است. کسی است که از هنجارها متابعت نمی‌کند و نسبت به نقض آنها اقدام می‌نماید. (همان، ۵۳)

با در نظر گرفتن مصادیق انحرافات اجتماعی مانند زنا، لواط، شراب‌خواری و غیره می‌توان گفت که انحرافات اجتماعی همان منکرات، فحشا و مفسده‌هایی هستند که اجتماعات انسانی را آلوده کرده و سلامت فکری و رفتاری بسیاری از مردم جامعه، بویژه نوجوانان و جوانان را در معرض خطر جدی قرار می‌دهند.

منکر به معنای کار زشت، ناپسند، قول و فعل برخلاف رضای خداوند، نامشروع، بد، ناروا، قبیح و ناشایسته است. بنابراین، منکرات، کارهای زشت و ناپسند و بر خلاف رضایت حق تعالی خواهد بود.^۴

از منظر اسلامی، منکرات اعمالی هستند که انسان را از ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی و انسانی دور کرده و اجتماع را مبتلا به نابسامانی و ویرانی می‌نماید. (امین صارمی ۱۳۸۰: ۶۸-۶۹)

نکته قابل توجهی که در اینجا وجود دارد آن است که درباره انحراف و کجروی از حیث مترادف بودن یا نبودن اختلاف نظر وجود دارد. برخی مانند گی روشه جامعه شناس فرانسوی میان این دو قائل به تفکیک هستند. در حالی که از نگاه پاره‌ای از جامعه شناسان، فارسی و لاتین این دو واژه با یکدیگر تفاوت ندارند (همان، ۵۳-۵۴) و به نظر می‌رسد که پذیرش فقدان تفاوت اولی بر قبول تهافت است.

بنابراین، در عرصه سیاست جنایی، می‌بایست از رفتارهای مجرمانه (جرم) و غیر مجرمانه (انحراف) همواره با پاسخ‌های فعال (کنشی) و منعفل (واکنشی) با ویژگی‌های رسمی (دولتی) و غیر رسمی (جامعه‌ای) سخن گفت.

۲. معرفی کلی اثر

کتاب یاد شده اثر تالیفی یکی از اعضای محترم هیات علمی دانشگاه تهران در رهگذر جرم-شناسی به معنای اعم و سیاست جنایی و به ویژه از منظر اسلام و جمهوری اسلامی ایران، به معنای اخص می‌باشد. نگارنده در چاپ نخست این اثر در سال ۱۳۸۳ در تهران و توسط انتشارات سمت و چاپ سوم آن در سال ۱۳۹۳ بدون تغییر، مطالب مورد نظر خویش را طی سه باب، سیاست جنایی و تحلیل ساختاری آن در باب

نخست، منطقه کنترل شده رفتاری در باب دوم و مراجع پاسخ دهی به پدیده مجرمانه در باب سوم ارایه نموده است.

درباره مفهوم سیاست جنایی به دو عنوان مفهوم محدود (مضیق) و گسترده (موسع) توجه کرده و به ارایه تعاریفی از آنها پرداخته است. "سیاست جنایی" در معنای محدود از نگاه فویر باخ عبارت است از: ((مجموعه روش های سرکوب کننده که دولت به وسیله آن در مقابل جرم واکنش نشان می دهد)). (مارتی دلماس ۱۳۸۱: ۵۹)

فن لیست در این باره می گوید: ((به کارگیری حقوق کیفری از نقطه نظر مبارزه موثر علیه بزه)). هم چنین، در راستای بیان همین مفهوم دوندیو دووابر از حقوق دانان برجسته فرانسوی و از اعضای محکمه نظامی نورنبرگ، در زمینه مفهوم سیاست جنایی معتقد است که این اصطلاح عبارت است از: ((ابزار واکنش کیفری و سرکوبگر در مقابل جرم)) (لازرژ، ۱۳۸۲: ۱۱)

در رهگذر تعریف گسترده سیاست جنایی می توان از تعریف دلماس مارتی نام برد. وی در بیان مفهوم فراگیر این عنوان می گوید: ((سیاست جنایی عبارت است از مجموعه روش هایی که به وسیله آن بدنه اجتماعی (هیات اجتماعی) پاسخ های خود را به پدیده مجرمانه سازمان دهی می کند)). (همان، ۱۵)

به علاوه، نگارنده اثر مورد نظر، سیاست جنایی اسلام و جمهوری اسلامی ایران را نیز بر اساس مبانی و ادله اربعه و موازین فقهی در چهار چوب تعیین هنجارهای اخلاقی، دینی و حقوقی و رفتارهای انحراف آمیز و نابهنجار و مجرمانه و نهایتاً پاسخ های منطبق با موازین و معیارهای دینی و فقهی (البته به نحو کوتاه) مورد توجه قرار داده است.

مهمترین هدف ها و سودمندی های حاصل از نگارش این کتاب از دیدگاه نگارنده عبارتند از:

۱- شرح و آشکار ساختن معنای اصطلاحی "سیاست جنایی" و ارایه تصویری روشن از اصطلاح یاد شده و مفاهیم گوناگون آن؛

۲- تهیه و ارایه چهارچوبی منطبق و هماهنگ با منطبق علمی و واقعیات عملی به منظور آموزش و پژوهش در قلمرو سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران به گونه ای که با آموزه های فرهنگی و حقوقی اجتماع مسلمان و پیرو دین کامل و خاتم سازگاری داشته باشد.

- ۳- ایجاد زمینه مناسب برای به وجود آوردن بستری برای نگاه منسجم به اجزا و ابعاد گوناگون موضوعات مربوط به جرم‌انگاری و پاسخ‌دهی به نقض‌هنجارهای قانونی و حقوق‌کیفری در قالب یک سیاست جنایی مطلوب؛
- هم‌چنین، رهیافت‌هایی که این اثر می‌تواند در عرصه سیاست جنایی ایران به همراه آورد و دارای اهمیت نیز تلقی گردد به ترتیب زیر خواهد بود:
- ۱- توجه به این نکته که باید از محدودنگری گذشته به موضوعات حقوق‌کیفری فراتر رفته و از نگاه‌های نوین مانند مقوله‌های روزآمد سیاست جنایی در وضع قواعد و مقررات و یا تحلیل آنها بهره برد.
- ۲- نقطه نظرات اندیشمندان غربی درباره سیاست جنایی اسلام و ایران را مورد نقد قرار داد و اشکالات وارده به آن تفکرات و استنباطات نادرست آنها از اسلام و مقررات آن و نیز سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران را تبیین و گوشزد نمود.
- ۳- تاثیر پذیری برخی از صاحب‌نظران و پژوهش‌گران قلمرو حقوق‌کیفری و جرم‌شناسی از تفکرات غربی که مدعی وجود کاستی در دیدگاه اندیشمندان اسلامی و مقررات اسلام در مقوله‌های مربوط به سیاست جنایی می‌باشند را زایل کرده و یا دست کم مورد تردید قرار می‌دهد.
- ۴- حقوق‌کیفری و جرم‌شناسی ایران در دهه‌های اخیر پس از انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، دستخوش دگرگونی‌های متنوع و رو به رشدی در ابعاد نظری و عملی گردیده است که ره‌آورد آن به ویژه در انجان تحقیقات و نگارش‌های علمی و تدوین قوانین و مقررات قابل مشاهده است.
- ۵- بیان برتری دیدگاه اسلامی به موضوعات سیاست جنایی از حیث پیشینه و ژرف‌نگری در موضوعات آن، نسبت به جایگاه آن در حقوق و نظام‌های غربی است.
- ۶- ایجاد انگیزه در صاحب‌نظران و متخصصین دانش حقوق‌کیفری و جرم‌شناسی در مرکز دانشگاهی و حوزوی انجام مطالعات گسترده در زمینه سیاست جنایی به طور اعم و سیاست جنایی اسلام و ایران به طور اخص، به قلمروهای گوناگون و مورد نیاز فردی، اجتماعی، تقنینی، قضایی و

۳. بررسی ابعاد شکلی اثر

از نظر روانی و رسایی متن کتاب مورد بررسی می‌توان گفت که، نگارنده در بیان مفاهیم بسیاری از موضوعات تا میزان زیادی از آسان‌گویی فاصله گرفته است به گونه

ای که خواننده را مجبور می سازد تا برای درک مطالب چندین مرتبه به مطالعه متن و عبارات بپردازد. بنابراین، چنین وضعیتی مانع از آن می شود که این گونه نگارش مثبت تلقی شود؛ هرچند که کاربرد برخی از واژه ها، عبارات و جملات که دارای ظاهر فنی و مغلق و دشوار هستند ممکن است درست به نظر برسد، ولی در رهگذر تعلیم و تربیت که سرعت در فراگیری و دریافت مفاهیم و انتقال آنها به حافظه از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد، بهتر آن است که تا جایی که میسر است مطالب به شیوه روان بیان گردد.

در خصوص رعایت قواعد نگارش، متن اثر دارای ایراداتی نظیر رعایت نشدن ضابطه شروع پاراگراف ها در صفحات متعدد، سرهم نویسی واژه ها، ترکیب کلمات غیر فارسی و فارسی و... است ولی کیفیت اثر از لحاظ حروف نگاری، صفحه آرایی، صحافی، طرح جلد در حد مطلوب است.

۳-۱. امتیازات اثر

کتاب مورد بررسی از نظر شکلی دارای امتیاز و یا به عبارت دیگر نقاط مثبتی است که اجمالاً عبارتند از:

۱- از نظر حروف نگاری، صفحه آرایی، طرح جلد و صحافی مطلوب و در خور توجه است.

۲- مزین بودن به تصویر مبارک حضرت امام خمینی (ره) بنیان گذار کبیر انقلاب اسلامی؛

۳- طبقه بندی عناوین در فهرست مطالب؛

۴- رعایت نسبی تعداد صفحات در ابواب فهرست مطالب؛

۵- چگونگی شروع و خاتمه مباحث کتاب؛

۶- رعایت ضابطه شروع پاراگراف ها در بسیاری از موارد؛

۷- ارتباط منطقی عناوین باب ها و نیز ابواب سه گانه فهرست مطالب؛

۳-۲. کاستی های اثر

صرف نظر از امتیازاتی که از حیث شکلی در اثر مورد بررسی وجود دارد، ایراداتی نیز به چشم می خورد که فهرست گونه به بیان این موارد مبادرت می گردد:

- ۱- استفاده نکردن از اعداد در طبقه بندی عناوین فهرست، زیرا بهره گیری از اعداد امکان استفاده گسترده تر و عمقی تر عنوان ها را به نگارنده خواهد داد؛
- ۲- در رده بندی موضوعات روش متداول سبک پیشین نیز رعایت نگردیده است و به جای لحاظ بخش، فصل، گفتار، مبحث، قسمت و... از باب، مبحث، فصل، و گفتار استفاده شده است؛
- ۳- در صورتی که به جای واژه " نخست " از واژه اول استفاده می شد هماهنگی مطلوبتری با سایر واژه های مرتبط (دوم- سوم) برقرار می گردید؛
- ۴- در ابتدای هر باب، عنوان مبحث مقدم بر فصول آمده است و سپس در مرتبه پس از وصول نیز قرار گرفته است؛
- ۵- برخی از مباحث دارای دو گفتار و برخی سه گفتار و برخی نیز فاقد گفتار می باشند؛
- ۶- عنوان باب نخست با عنوان فصل دوم یکسان بوده و تکرار شده است و حال آن که این تکرار موجه نیست؛
- ۷- استفاده متعدد از واژه های غیر فارسی (غربی) در فهرست مطالب؛

۳-۳. ایرادات متن

- در متن اثر مزبور اشکالات شکلی متعددی وجود دارد که به بیان مواردی از آن بسنده می شود:
- ۱- به کار بدن ترکیب کلمات و حروف و یا سرهم نویسی واژه ها که برای نمونه می توان از واژه های " چراکه " به جای " زیرا " در صفحات سه، بیست، سی و سی و چهار و...، " بدان " به جای واژه " به آن " در صفحه چهارده، پانزده، بدین به جای واژه به این " در صفحات چهارده و شصت و... همچنین به جای هم چنین در صفحات ۱۸۱ و... نام برد.
 - ۲- رعایت نشدن معیار شروع پاراگراف ها در بسیاری از صفحات کتاب مانند: صفحات ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۴۴، ۴۶، ۶۰ و...
 - ۳- استفاده مکرر از واژه های مترادف به صورت پیاپی که ضرورتی ندارد مانند: شرح و ایضاح در صفحه سه، یافته یا محصول در صفحه پنج، رفتارکنندگان یا فاعلان در صفحه هشت، تئوری و نظری در صفحه یازده، عملی و کاربردی در صفحه یازده، منابع و ماخذ در صفحه ۲۵۳

- ۴- به کار بردن فعل ناقص در نگارش متن به صورت فراوان نظیر:
نداشته- نبوده در صفحه ۵، دانسته شده در صفحه هشت، نیافتاده - اتخاذ نگردیده در صفحه ۱۳، رواج یافته- نداشته در صفحه ۲۲ و...
۵- وجود اشکالات ویرایشی در متن مانند: ضرورت تبدیل نقطه به ویرگول در سطر سوم پاراگراف سوم صفحه ۱۴، سطر چهارم پاراگراف دوم صفحه ۱۶۶، و... و ضرورت تبدیل ویرگول به نقطه و ویرگول در صفحات متعدد مانند سطر پنجم پاراگراف دوم صفحه ۸۱، سطر چارم پاراگراف دوم صفحه ۹۵ و...
۶- استفاده فراوان نگارنده اثر از واژه های غربی (در حالی که شایسته است از کلمات فارسی مطابق با معنای این واژه ها به کارگیری شود) مانند لاییک لیبرال در صفحه ۱۵، میلشیا در صفحه ۲۷، ایدئولوژیک در صفحات ۲۹ و ۳۱ و...
۷- به کاربردن فراوان ترکیب واژه های غربی با علایم (نشانه ها) و یا کلمات فارسی مانند پارادوکس گونه لایرها، ژوریست ها در صفحه ۲۲، آنارشویست ها و سوسیال مارکسیست ها در صفحه ۳۸ و...
۸- صرف نظر از این که شایسته است از کلمات فرسی بیشتر استفاده گردد، در نگارش اصطلاحات می بایست موارد رایج مورد توجه قرار گیرد مانند ضرورت تغییر عنوان " کامان لا" به " کامن لو" در سطر ۱۲ صفحه ۱۵۲؛
۹- ضرورت افزودن حرف (ع) و یا عبارت علیهم السلام پس از ذکر کلمه معصومین در سطر سوم پاراگراف آخر صفحه ۱۵۴ و موارد مشابه؛
۱۰- اصلاح عبارت (باقی می ماند بررسی عنصر ثابت دیگر) در پایان صفحه ۵۴؛
۱۱- لزوم افزودن کلمه " قمری" به عبارت (نه سال تمام) در صفحه چهارم صفحه ۱۰۶؛
۱۲- اختصاص نیافتن شروع فصل ها و عنوان آنها در صفحات جداگانه؛

۴-۳. ایرادات پاورقی

- علی رغم وجود پانویس های مطلوب و قابل قبول، اشکالاتی در مواردی از پاورقی کتاب نیز به چشم میخورد که اکنون به پاره ای از موارد آنها اشاره می گردد.
۱- کامل نبودن مشخصات مربوط به برخی از منابع برحسب مورد از نوبت چاپ، ناشر، محل چاپ و سال انتشار مانند منبع شماره ۳ در صفحه ۲۳، صفحه ۱۰۵، منبع شماره ۲ در صفحه ۱۰۶ و...؛

۲- رعایت نشدن ضابطه تکرار منابع در صفحات متعدد اعم از تکرار نام منبع، تکرار مشخصات منابع که به دنبال هم آمده اند به جای ذکر کلمه همان و... مانند ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۶۳، ۱۶۶، ۲۴۲، و...

۳- افزودن مواد و مستندات قانونی در ادامه بیان مشخصات منبع فقهی مانند پاورقی شماره ۲ صفحه ۱۰۶

۴- استفاده نادرست از شیوه های متفاوت در ارایه مشخصات مانند منبع:

-امام روح الله خمینی در صفحه ۱۱۳

-امام خمینی در صفحه ۱۱۴

-الامام روح الله الموسوی الخمینی در صفحات ۲۰۹ و ۱۲۷

روح الله الموسوی الخمینی در صفحه ۱۴۷

۵-۳. ایرادات فهرست منابع

اشکالات مهمی که در این قسمت اثر وجود دارد عبارتند از:

۱- نگارش کلمه مترادف ماخذ که باید حذف گردد؛

۲- یک جا نویسی منابع فارسی و عربی، که ارایه جداگانه آنها مطلوب خواهد بود؛

۳- کامل نبودن مشخصات برخی از منابع مانند ردیف های سوم، پنجم، ششم و آخر در صفحه ۲۵۳ و ردیف های سوم، ششم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم و... در صفحه ۲۵۴، و...

۴- شماره گذاری نشدن منابع؛

۵- ارایه منبع مجله با کتب در ردیف دوازدهم در صفحه ۲۵۳؛

۶- افزودن منبع قانون به کتب در انتهای فهرست منابع فارسی و عربی در صفحه ۲۵۵ به دو جهت، اول این که، قانون اصولاً ابزار در نگارش های علمی و پژوهشی است که محصول فعالیت های مقنن است و به این ترتیب منبع تلقی نمی شود. دوم این که، در صورت استفاده از قوانین در تدوین کتاب و مانند آن، می بایست به صورت جداگانه و با ذکر عناوین تاریخ تصویب ارایه شوند؛

۷- لحاظ قرآن کریم در شماره منابع، قرآن کریم در اندازه منبع یک کتاب و فعالیت های علمی پژوهشی نیست و شان آن به مراتب برتر از این مقوله است و نباید در کنار دیگر کتب پدیدآورندگان آن انسانها هستند قرار گیرد. بدیهی است در صورت استفاده از

آیات کتاب آسمانی قرآن می بایست فراسوی منابع و بدون ذکر شماره از آن نام برده می شود؛

۸- ذکر نشدن برخی از منابع که در متن و پاورقی ها از آنها استفاده شده است اما در منابع آورده نشده اند مانند کتاب نظام های بزرگ سیاست جنایی خانم دلماس مارتی در صفحات ۲۷ و ۲۸؛

۹- در ارایه پاره ای از منابع گفته شده است که فاقد نگارش تاریخ هستند، در حالی که این سخن موجه نیست مانند بدون تاریخ دانستن " تحریرالوسیله " در ردیف سوم صفحه ۲۵۴، مبانی تکمله المنهاج سید ابوالقاسم خویی (ره) در ردیف چهارم صفحه یاد شده، و...؛

۱۰- به کار بردن شیوه های گوناگون در بیان مشخصات منابع مانند آوردن کلمه " بی تا " درباره منبع ردیف سوم صفحه ۲۵۴ و کلمه " بی تاریخ " برای پاره ای از منابع نظیر منبع ردیف ششم در صفحه ۲۵۳ و ردیف های چهارم، سیزدهم و هجدهم در صفحه ۲۵۴ و ردیف های دهم و دوازدهم در صفحه ۲۵۵؛

۱۱- علی رغم آن که نگارنده اثر برای تدوین آن و تشریح موضوعات مورد بررسی، تلاش فراوانی را مبذول داشته اند که شایان توجه و درخور سپاس می باشد؛ اما بهره مندی از آن در تدریس درس " سیاست جنایی " در دوره های کارشناسی ارشد و به ویژه دکتری به تنهایی کافی نمی باشد و بایستی سایر منابع مرتبط نیز مورد بررسی قرار می گیرند؛

۴. بررسی ابعاد محتوایی اثر

صرف نظر از آن که کاربرد واژه های فارسی به شکل روان و با فراگیری آسان و بهره مندی اثر از برگردان های فارسی نقطه قوت آن به شمار خواهند رفت، استفاده از اصطلاحات تخصصی در این اثر مانع از ارزش گذاری نسبت به آن نخواهد بود. نویسنده محترم در این اثر تلاش کرده است که مطالب مرتبط با موضوع سیاست جنایی را بومی کرده و با حقوق کیفری ایران و اسلام هماهنگ سازد و از این حیث این اثر قابل توجه است، اما از سوی دیگر از موضوعات مهم دیگری که اصولاً در بحث سیاست جنایی مطرح می باشد کمتر بهره جسته است. بنابراین، و از این حیث به تنهایی برای تدریس این درس به ویژه در مقطع دکتری کافی نخواهد بود و بایستی در کنار آن از منابع تکمیلی نیز بهره گرفته شود.

بررسی دیدگاه‌های اسلام در رهگذر سیاست جنایی و مباحثی نظیر جرایم مستوجب حد یا قصاص و یا پرداختن به جرایم حق‌الله و حق‌الناسی از نکات قابل توجه این اثر است، رویکرد اثر نسبت به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی خوب است و نویسنده با بهره‌گیری از پاره‌ای منابع اسلامی معروف که اغلب دانشجویان به آنها دسترسی دارند و تجزیه و تحلیل و انطباق موضوعات با مقوله‌های مطروحه در سیاست جنایی و در نهایت تبیین سیاست جنایی اسلام و جمهوری اسلامی ایران اقدام کرده است که دلیل مهم دانستن این اثر تلقی می‌گردد.

۱-۴. امتیازات اثر

از جمله مواردی که در اثر ارزیابی شده وجود دارد و می‌تواند نقطه قوت آن محسوب شود عبارتند از:

- ۱- بیان متاثر بودن سیاست جنایی نزد انسان‌ها در جوامع مختلف از گذشته‌های دور تاکنون از ارزش‌ها و اصول عقیدتی (در پاراگراف دوم صفحه ۲۹)، که نشانگر عمق توجه باور نویسنده به مباحث عقیدتی و اثرگذاری آن در اجتماعات بشری است.
- ۲- ممکن و مفید دانستن تحلیل ساختاری سیاست جنایی اسلام از نگاه صاحب اثر است و در صفحه ۱۵ کتاب به روشنی بیان شده است که تحلیل ساختاری سیاست جنایی اسلام با الهام گرفتن از مبانی تحلیل ساختاری ممکن و به علاوه مفید می‌باشد.
- ۳- بیان مزجی نگاه و اندیشه غربی و اسلام به موضوع سیاست جنایی در این کتاب به ویژه در مقدمه و فصل اول از باب اول بسیار قابل توجه استفاده است.
- ۴- پرداختن به مباحثی سیاست جنایی از منظر اسلام و دیدگاه قرآن کریم، نقطه نظرات علما و فقهای اسلامی به نحو اعم و فقهای ایران به گونه اخص؛
- ۵- آشنایی بیشتر خوانندگان اثر، به ویژه دانشجویان عرصه حقوق کیفری و جرم‌شناسی با جایگاه مقوله‌های مطرح شده در سیاست جنایی از نگاه ادله اربعه اسلام و نیز معیارهای اخلاقی و موازین قانونی مورد پذیرش نظام جمهوری اسلامی ایران؛
- ۶- نقد این اندیشه خانم دل‌ماس مارتی که سیاست جنایی اسلام را متاثر از دیدگاه تمام‌گرا و نزدیک به نمونه استبدادی می‌داند (مذکور در صفحه ۱۷۵) و ارایه دلایلی به رد این تفکر، از جمله نکات حایز اهمیت در این اثر است که در صفحات ۱۷۶ به بعد در فصل اول باب سوم تحت عنوان (روابط پاسخ به پدیده مجرمانه با مراجع دولتی) به نقد گذارده شده است.

۷- پرداختن به نقش مهم و اثرگذار رهبری در سیاست جنایی اسلام
۸- تلاش وافر نگارنده برای روز آمد کردن داده ها و اطلاعات اثر با اشاره به اصطلاحات و واژه های نوین که در منابع جدید تالیفی و یا ترجمه شده مطرح شده است.
۹- طرح دیدگاه های اسلامی در رهگذر سیاست جنایی از طریق ورود به مباحث حد، قصاص، تعزیر، جرایم حقّ النَّاسی و حقّ اللّٰهی (علی رغم محدودیت بررسی های صورت گرفته)، از نوآوری های این اثر می باشد.

۲-۴. ایرادات اثر

هرچند کتاب مورد ارزیابی دارای نقاط مثبت متعدد می باشد و در گستره مقوله سیاست جنایی کار ارزشمندی صورت گرفته است، با این حال کاستی هایی نیز در آن وجود دارد که به شکل کوتاه بیان می گردد:

۱- پرداختن به مقایسه مفهوم و قلمرو دو اصطلاح مهم سیاست کیفری و سیاست جنایی در این اثر و بیان کوتاه در این باره در صفحه ۱۳؛

۲- ارایه نشدن تعریف مشخص با ویژگی های روشن از سیاست جنایی اسلام در مبحث تمهیدی مفهوم سیاست جنایی در صفحات ۲۰ به بعد؛

۳- همان گونه که نویسنده محترم در صفحه دو کتاب بیان کرده اند، کتاب حاضر قسمتی از رساله دکتری ایشان است که تحت حمایت و راهنمایی خانم دلماس مارتی تدوین و از آن دفاع شده است. بنابراین، در بخش های نخست کتاب تکیه بیشتری وی بر نظرات ایشان است.

۴- نویسنده، خانم دلماس مارتی را پیشتاز پژوهش و آموزش می داند که قابل بحث است.

۵- پرداختن به اقسام و طبقه بندی های مربوط به سیاست جنایی از جهات گوناگون به ویژه مطرح نکردن سیاست جنایی، تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی به شکل مشخص از جمله کاستی های این اثر است.

۶- نگارنده در فصل (منطقه الزام) در صفحات ۹۲ به بعد کتاب وارد مباحث اصولی شده اند که دو اشکال در این زمینه قابل طرح است:

نخست این که، مباحث مطروحه مفید می باشد اما کافی و در حد مطلوب برای خوانندگان اثر نخواهند بود.

دوم این که، از حیث استناد به منابع دچار ضعف و کمبود قابل توجه است.

۷- بهتر بود که همراه با بیان عناوین قانون الزام آور - غیر ملزومه و قوانین اباحه به طبقه بندی موضوع از منظر حقوقی نیز مبادرت می شد تا امکان مقایسه و گرفتن نتیجه برای مطالعه کنندگان اثر آسانتر و مفیدتر گردد.

۸- کنکاش مناسب و کافی درباره عقل، بلوغ و ایمان در گستره ادله اربعه و دیدگاه های فقهی در صفحات ۱۰۴ تا ۱۱۱ صورت گرفته است و از هفت منبع نیز بهره گرفته شده که از این حیث نیز کمبود مستندات به چشم می خورد.

۹- چنانچه همراه با طرح موضوعات گوناگون در ارتباط با جرم و گناه و عقوبت آن از منظر اسلام، دیدگاه های فقهی اسلامی و ارزیابی تفکرات ایشان، ذکر و بررسی مفاهیم مشابه جرم و گناه از نگاه اسلام مانند، اثم، ذنب، سیئه، خطیئه، معصیه، تعدی، فحشا و... مطرح می گردید بر غنای اثر می افزود.

۱۰- وجود ضعف منابع مورد استناد در خصوص بررسی روابط پاسخ به پدیده مجرمانه با پدیده مجرمانه در مراجع دولتی در فصل اول باب سوم در صفحات ۱۷۶ به بعد؛

۱۱- بررسی کوتاه نقش رهبری در سیاست جنایی اسلام در صفحات ۱۸۰ تا ۱۸۲ در استناد به قوانین و مقررات اسلام اعم از اساسی و عادی، به خصوص قانون مجازات اسلامی و نیز منابع فقهی و حقوقی متعدد موجود؛

۱۲- با توجه به آن که موضوع پیشگیری از مباحث مهم عرصه سیاست جنایی است، کمبود ارزیابی در این باره در اثر مزبور و بی توجهی به اشکال و انواع پیشگیری و اقدامات پیشگیرانه اعم از کیفری (قضایی - تقنینی) و غیر کیفری (اجتماعی - وضعی)، تنبیهی، اصلاحی، مکانیکی و... از کاستی های مهم آن خواهد بود.

۱۳- در مبحث (در مرحله واکنش) در صفحه ۲۲۰، موضوعات مهم دفاع مشروع و امر به معروف که اکنون از موانع مسوولیت کیفری به شمار می روند، بدون بررسی حقوقی، فقهی و قانونی لازم رها شده است.

۵. نتیجه گیری

رشته مطالعاتی سیاست جنایی، صرفنظر از وجود ابهام در عنوان آن، به دلیل ابعاد مختلف آن یعنی تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی، با در نظر گرفتن مدل هایی که برای آن ترسیم شده است و نیز گسترده ای که فراتر از حقوق جزاست و منحصر در جرم و پاسخ کیفری آن نیست و بتوان در بررسی هایی که در پرتو آن صورت می گیرد

به سراغ رفتارهای غیر اخلاقی و غیر کیفری رفت و گاه از بررسی ممانعت از بروز آن ها سخن گفت؛ حائز اهمیت است و بدون تردید اختصاص دادن واحدهای درسی، اقدامات پژوهشی و آموزشی متناسب دیگر به آن، مطلوب بوده و می تواند به رشد فعالیت های تقنینی و قضایی نیز کمک شایان نماید. البته نباید از نظر دور داشت که منابع حقوق اسلامی سرشار از مطالب و موضوعاتی هستند که در این قلمرو قابل بهره برداری می باشند و به همین جهت است که می توان با قاطعیت بیان نمود که سیاست جنایی اسلام از حیث زمانی مقدم بر طرح آن در غرب و شرق بوده و از نظر محتوا نیز به مراتب گسترده تر از محتوای مورد نظر اندیشمندان غربی و شرقی و به یک تعبیر، غیر اسلامی است.

مؤلف ارجند کتاب مورد ارزیابی، در راستای معرفی سیاست جنایی اسلامی تلاش زیادی کرده اند اما از نکات قابل توجه بسیاری سخن به میان نیاورده اند و بر این اساس، این اثر دارای نقیصه غیر قابل اغماض است که می بایست مرتفع گردد. صرف نظر از ایراداتی که در دو قسمت شکلی: در فهرست مطالب، متن، پاورقی ها، و فهرست منابع از حیث رعایت نشدن نکات و دستورات نگارشی در رابطه با علائم ویرایشی، معیار شروع پاراگراف ها، استفاده از افعال ناقصه، سرهم نویسی کلمات، به کار گیری کمتر از واژه های غربی، ترکیب واژه های غیر فارسی و فارسی با یکدیگر، ساده و روان نویسی، ارایه کامل مشخصات منابع، رعایت ضابطه تکرار منابع، هماهنگی منابع مذکور در پاورقی ها با فهرست منابع و... و به علاوه، کاستی های محتوایی در فقدان ارزیابی مطلوب و جامع از حیث: مقایسه میان سیاست جنایی از دو نگاه غربی و اسلام، مفهوم دقیق سیاست جنایی اسلام همراه با شرایط و ویژگی های آن، جایگاه سیاست جنایی در قلمرو تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی جمهوری اسلامی ایران، ورود کافی و مناسب به مباحث مربوط به سیاست جنایی در قلمرو قوانین شکلی و ماهیتی ایران، تحلیل دقیقتر از برخی از موضوعات فقهی و اصولی مورد بحث در کتاب، نگاه جامع تر به نقش رهبری و سیاست جنایی اسلام و ایران وجود دارد؛ نقد مواردی از دیدگاه های اندیشمندان غربی به ویژه خانم دلماس مارتی و بیان سبقت طرح مباحث سیاست جنایی در جهان و بهره مندی غرب از منابع اسلامی در این زمینه، پیدایش تحول چشمگیر و توجه حقوق و قوانین جمهوری اسلامی ایران به موضوعات سیاست جنایی و کاربردهای گوناگون آن، در نتیجه جلب توجه خوانندگان این اثر و دانش پژوهان حقوق کیفری و جرم شناسی به ضرورت جستار بیشتر در این باره در

منابع اسلامی و فقهی و باور امکان تحقیق عمقی تر و ارایه نظریات تکمیلی و نوین در عرصه سیاست جنایی به دیگر نظام های حقوقی موجود در جهان و نهایتاً تاثیر گذاری در مقررات فراملی اعم از قلمرو داخلی کشورها و یا بین المللی، از نکات حایز اهمیت و دستاوردهای ارزشمند این اثر می باشد.

پی‌نوشت

۱ پاسخ دولتی تدابیر و اقداماتی است که دولت از طریق قوای مختلف خود برای پیشگیری از جرم و مبارزه علیه بزهکاری و نیز اصلاح بزهکاران و منحرفان پیش بینی، وضع و اعمال می نمایند.
۲ پاسخ جامعه ای تدابیر و اقدامات غیر رسمی است که جامعه مدنی، مردم، نهادهای مردمی به منظور پیشگیری از بزهکاری و انحراف و نیز اصلاح مجرمین تعیین و اعمال می کنند.
۳ تعریف مذکور متعلق به نگارنده است.
۴ در این باره می توان به کتب لغت مانند فرهنگ معین، جلد چهارم، فرهنگ عمید جلد دوم و غیره مراجع نمود.

کتاب‌نامه

امین صارمی، نوزر، (۱۳۸۰) *انحرافات اجتماعی و خرده فرهنگ های معارض*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸) *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸) *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
لازرژ، کریستین، (۱۳۸۲) *درآمدی به سیاست جنایی*، چاپ اول، ترجمه نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تهران، نشر میزان، بهار.
مارتی دلماس، (۱۳۸۱) *نظام های بزرگ سیاست جنایی*، جلد اول، ترجمه نجفی ابرند آبادی، علی حسین، چاپ اول، تهران، نشر میزان.